

غار اصحاب کهف کجاست؟

بقایای تاریخی همواره مورد توجه ملل مختلف بوده و به فرهنگ و تاریخ غنا بخشیده و در جلب گردشگر و توجه جهانی نیز مؤثر است.



غار مشهور به کهف در ترکیه

بقایای تاریخی همواره مورد توجه ملل مختلف بوده و به فرهنگ و تاریخ غنا بخشیده و در جلب گردشگر و توجه جهانی نیز مؤثر است. غار کهف از جمله اماکن مورد توجهی است که کشورهای مختلف هر نشانه‌ای را مبنای انتساب به اصحاب کهف می‌دانند.

به گزارش مهر، اصحاب کهف، در قصص قرآنی نام گروهی از مؤمنان است که از ستم پادشاهی مشرک به غاری پناه بردند و سالیانی دراز به خوابی عمیق رفته و سپس بیدار شدند.

داستان این گروه، با اشاراتی کوتاه در آیات 9 تا 26 سوره کهف یعنی در 27 آیه تشریح شده است. تعداد اصحاب به طور دقیق مشخص نیست، اگرچه رقم هفت بیشتر در مورد آنها بکار گرفته می‌شود. در مورد تعداد اصحاب در آیه 22 سوره کهف آمده است: به زودی خواهند گفت سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود و می‌گویند پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود تیر در تاریکی می‌اندازند و [عده‌ای] می‌گویند هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود بگو پروردگارم به شماره آنها آگاه‌تر است جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی‌داند پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جويا مشو.

داستان کهف، دلالت بر معاد

داستان اصحاب کهف دلالت بر معاد دارد. این داستان از قول های مشهور بین اقوام و ملل زمانهای مختلف مطرح است و قرآن کریم شرحی از آن را به قدری که شاهد برای مسئله معاد است بیان کرده است.

خداوند اصحاب کهف را برای مدت طولانی به خواب برد و بعد بیدار کرد تا به منکرین معاد برساند که مردن و زنده شدن مانند اصحاب کهف و سپس تنبیه و بیداری آنهاست.

داستان اصحاب کهف در زمانی به وقوع پیوست که تنازعی شدید در امر معاد و بعثت مردگان بین موحیدین و مشرکین در گرفته بود، وقوع این قضیه و حدوث این حادثه که از هر جهت مشابه با مردن و زنده شدن جمیع خلایق است، شک و تردیدی برای منکرین باقی نمی‌گذارد.

اصحاب کهف در میان ملل مختلف

مانند بسیاری دیگر از قصص قرآنی، داستان اصحاب کهف در میان صاحبان ادیان آسمانی پیشینه دارد، در واقع داستانی مشهور در میان مسیحیان شرق و غرب بوده است.

قرآن کریم بدون اینکه به صاحبان دیانت بخصوصی اشاره کرده باشد به تعبیر «يقولون» به شهرت و تداول این داستان در میان پیشینیان و حتی اختلافی در جزئیات داستان میان بازگو کنندگان اشاره دارد، سوره کهف آیه 22.

در میان مسیحیان، اصحاب کهف نه به دلیل پناه بردنشان به غار، بلکه از جهت به خواب رفتنشان شهرت یافته‌اند و با عنایت به اینکه شمار آنان 7 نفر انگاشته شده است، در غالب منابع به خصوص در منابع مسیحیت غربی به "7 خفتگان" شناخته شده‌اند.

کاوش در پی اصحاب کهف

جایگاه داستان اصحاب کهف نزد مسلمانان و وجود این باور که هنوز می‌توان نشانی از غار اصحاب کهف را بازجست، موجب آن شده

تا در طول تاریخ کاوش هایی برای دستیابی به غاری که اصحاب کهف در آن به خواب رفتند انجام شده و مکان هایی نیز در پی این کاوش ها و یا بطور تصادفی مشخص و معرفی شده اند... به طبع شهرت اینکه اصحاب کهف در بلاد روم سکنی داشته اند، انگیزه ای بوده است تا این جویندگان، در پی یافتن اطلاعاتی جدید و موثق درباره اصحاب کهف بیشتر به جانب روم توجه کنند.

جایگاه غار اصحاب کهف از منظر آیت الله مکارم شیرازی

در مورد مکان غار اصحاب کهف نظریه های مختلفی وجود دارد و مکانهای متعددی به عنوان غار اصحاب کهف معرفی شده اند. در تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی، جلد 12، صفحه 438 در مورد غار اصحاب کهف آمده است: اینکه اصحاب کهف در کدام منطقه از روی زمین زندگی می کردند و این غار در کجا قرار داشته، در میان دانشمندان و مفسران گفتگو بسیار است. گرچه پیدا کردن محل دقیق این غار تأثیر زیادی در اصل داستان، نکات تربیتی و اهمیت تاریخی آن ندارد اما دانستن محل این حادثه می تواند کمک به فهم بیشتر خصوصیات آن کند.

به هر حال، در میان احتمالات و اقوالی که در این زمینه وجود دارد دو قول به صحت نزدیک ترند: نخست اینکه این حادثه در شهر «افسوس« واقع شده و این غار در نزدیکی آن قرار داشته است. ویرانه های این شهر، هم اکنون در نزدیکی «ازمیر« در «ترکیه« به چشم می خورد، و در کنار قریه «ایاصولوک« در کوه «ینایرداغ« هم اکنون غاری دیده می شود که فاصله چندانی از «افسوس« ندارد.

این غار، غار وسیعی است که می گویند آثار صدها قبر در آن به چشم می خورد و به عقیده بسیاری غار «اصحاب کهف« همین است.

به طوری که ارباب اطلاع نقل کرده اند، دهانه این غار به سوی شمال شرقی است و همین سبب شده که بعضی مفسران بزرگ در اصالت آن تردید کنند، در حالی که این وضع مؤید اصالت آن است زیرا قرار گرفتن آفتاب به هنگام طلوع در سمت راست غار و در هنگام غروب در سمت چپ، مفهومش آن است که دهانه غار به سوی شمال و یا اندکی متمایل به شمال شرقی باشد. عدم وجود مسجد و معبدی در حال حاضر در کنار آن، دلیلی بر نفی اصالت آن نیز نخواهد بود، چه اینکه ممکن است با گذشتن حدود 17 قرن آثار آن معبد از بین رفته باشد.

دومین غار، غاری است که در نزدیکی پایتخت «اردن« یعنی شهر «امان« واقع شده است، در نزدیکی روستایی به نام «رجیب«.

در بالای این غار، آثار صومعه ای دیده می شود که طبق پاره ای قرائن، مربوط به قرن پنجم میلادی است که بعد از غلبه مسلمین بر آنجا تبدیل به مسجد شده و محراب و مأذنه دارد.

دیگر غارها

در برخی روایات آمده که در قریه ای به نام لوشه در غرناطه، غاری دیده شده است که اجساد با سگشان در آن وجود دارند و مردم آنان را اصحاب کهف می پندارند.

در کنار آن غار مسجدی است و در نزدیکی مسجد، قصری به نام رقیم و در قسمت شمالی غرناطه شهری قدیمی به نام دقیوس وجود دارد.

در ایالت نخجوان آذربایجان نیز غاری به عنوان غار اصحاب کهف معرفی شده است.

اصحاب کهف در متون کهن مسیحی و توجه خاورشناسان

در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی آمده است: در متون مسیحی کهن، داستان اصحاب کهف با مضامینی کاملاً قابل مقایسه با مضامین اسلامی دیده می شود، بدان گونه که نه تنها می توان خطوط کلی داستان قرآنی را در پرداخته های مسیحی باز یافت بلکه بخش تفصیلات داستان در روایات و تفاسیر اسلامی نیز با پرداخته های مسیحی قابل مقایسه است.

اصحاب کهف و مقایسه آن با نمونه های مسیحی و همچنین تطبیق آن با برخی دانسته های تاریخی، توجه خاورشناسان را به خود جلب کرده است، چنانکه از زوایای مختلف درباره این موضوع به تحقیق پرداخته اند.

برای نمونه ماسینیون با نگاهی بر روایات اسلامی و مسیحی به بررسی جایگاه اصحاب کهف در میان گروه های قومی گوناگون به ویژه از نظر تصویرنگاری ایشان عنایت داشته و طی یک سلسله مقالات به تفصیل به این مطلب پرداخته است. از سویی دیگر یونگ با مقایسه داستان اصحاب کهف و داستان خضر نبی، به موضوع تجدید حیات و عمر دوباره یافتن نظر داشته

است .

منشأ زبان شناختي در كشورهاي اسكاندیناوي، آلمان، مجارستان و ولز واژه syv sover يا sjusovare که در کشورهاي اسکاندیناوي سوئد، نروژ و دانمارک کاربرد داشته ریشه در داستان اصحاب کهف از افسوس دارد و به معنای کسی است که سخت و طولانی خوابیده است. واژه "Siebenschl?fe" در زبان آلمانی و "htalv?" در زبان مجاری نیز معنایی شبیه به کاربرد مشابه در اسکاندیناوي دارد. این واژه ویژگی فردی را توصیف می کند که معمولاً خواب طولانی داشته و دیرتر از زمان لازم از خواب بیدار می شود. در دامنه واژگان ولزی نیز واژه "saith cysgadur" در داستان بلند ریز لوئیس نوشته دنیل اوون در سال 1885 به کار برده می شود و اشاره به فردی دارد که خواب طولانی داشته است.

اصحاب کهف در ادبیات قرون وسطی توصیف شرایط و وضعیت اصحاب کهف، قرن شانزدهم در فرهنگ کلیسای پروتستان عمومیت یافت و جان دون از شعری قرن شانزدهم شعری در این رابطه سروده است. در دوره روشنگری اشاره به داستان اصحاب کهف چندان فراگیر نبود اما شرح این داستان با ظهور عصر رومانتیسم احیا شد. اشاره به این داستان در آثاری از توماس دی کوئنسی، شعری از گوته، داستانی از واشنگتن ایروینگ و آچ جی ولز به چشم می خورد.

ظهور داستان اصحاب کهف در ادبیات دوران مدرن دانیلو کیس نویسنده صرب - کرووات داستان اصحاب کهف را در قالب یک داستان کوتاه در کتاب خود با عنوان دانشنامه درگذشتگان روایت کرده است. این داستان در دو کتاب سوزان کوپر نیز روایت شده است. گیلبرد موریس در مجموعه داستانهای اصحاب کهف رویکرد مدرنی به این داستان داشته و با الهام از آن داستانی مشابه نقل کرده است.